برگ‌هایی از خاطرات جانباز شهید سردار سیدحسین فیض اردکانی که خردادماه ۹۷ آسمانی شد

بیشترین فعالیت‌ها را با وجود انبوه مشکلات جسمی انجام می‌داد

■ شکوفه زمانی

خردادماه در حالی سپری شد که اولین سالگرد شهادت سردار سیدحسین فیض اردکانی قائم‌مقام تیپ الغدیر یزد در دوران دفاع مقدس را به تازگی پشت سر گذاشتیم. این رزمنده دفاع مقدس که جانباز ۷۰ درصد بود، سال‌ها با عوارض جانبازی دست به گریبان بود تا اینکه ۶ خرداد سال ۹۷ مصادف با ماه رمضان، در ۶۳ سالگی به دوستان شهیدش پیوست. در گفت‌وگویی که با فهیمه صنعت‌جو همسر و سردار علیرضا تمیزی همرزمش داشتیم، سعی کردیم گوشه‌هایی از زندگی و خصوصیات اخلاقی این رزمنده تیپ ۱۸ الغدیر یزد را به خوانندگان صفحه ایثار و مقاومت معرفی کنیم.

زمانی که با شهید فیض اردکانی ازدواج کردید ایشان رزمنده بودند؟

ازدواج ما بعد از جنگ بود. سال ۱۳۷۳ که با سیدحسین آشنا شدم، هشت سال از مفقودالاثر شدن همسر اولم در جنگ تحمیلی می‌گذشت. خانواده‌ام هرچه تلاش کردند نشانه‌ای از ایشان پیدا کنند موفق نشدند. حتی خود سیدحسین که دوست برادرم بود، واسطه‌ای شد تا حداقل بتوانیم آثاری از پیکر همسر اولم پیدا کنیم که متأسفانه هیچ خبری نشد. این رفت و آمد با خانواده سیدحسین ادامه پیدا کرد تا اینکه خواهر ایشان پیشنهاد ازدواج با سید را به من داد و چون دو فرزند دختر از همسر مفقودالاثرم داشته و دوست داشتم دخترانم یک سرپرست داشته باشند با پیشنهاد ازدواج ایشان موافقت کردم. در سال ۱۳۷۴ با هم ازدواج کردیم. آن موقع دختر بزرگم متولد سال ۵۹ سوم راهنمایی و دختر دومم متولد سال ۶۰ دوم راهنمایی بود.

گویا شهید فیض به رغم جانبازی و مشکلات جسمی که داشتند، فعالیت‌های زیادی می‌کردند؟

حاج آقا کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب داشت و بیشتر فعالیتش در سمت مشاور رئیس بنیادشهید و امور ایثارگرانبود. در شناسایی سازمان‌های موجود فعال (NGO) و همچنین شناسایی نخبگان جانباز در عرصه‌های مختلف فعالیت می‌کرد. سعی می‌کرد در برقراری ارتباط با ایثارگران و جانبازان نهایت تلاشش را بکند. سیدحسین دو مرتبه برای معالجه مجروحیت‌های جنگی‌اش به آلمان سفر کرده بود ولی دست از تلاش برنمی‌داشت و برای رفع محرومیت کودکان بی‌بضاعت شمالغرب کشور هم اهتمام می‌ورزید. من به مدت ۲۴ سال با حاجی زندگی کردم. تحمل بسیار بالایی داشت. دردهای شدید در ناحیه شکم و روده‌اش به قدری بود که تا مرفین تزریق نمی‌شد، نمی‌توانست با درد کنار بیاید. در چند سال اخیر دردهای سید موجب شد روز به روز ضعیف‌تر شود. بیماری‌اش تبدیل به پانکراس روده شده بود تا اینکه برای معالجه در مرتبه آخر نیز به آلمان رفتیم که فایده‌ای در بهبود اوضاعش نداشت. به ایران برگشتیم و ۴۰ روز هم در بیمارستانی در ایران در کما بود و نهایتاً ششم خرداد سال ۹۷ به شهادت رسید.

چرا در همان آلمان معالجه‌اش را ادامه ندادید؟

در آلمان از حاج سید نمونه‌برداری کردند. کمی که ماندیم وضعیتش آنقدر بد شد که گفتند ایشان را به ایران ببرید که اگر در کشور آلمان به کما برود دیگر اجازه خروج نمی‌دهند.

حاج آقا چه نوع مجروحیتی داشتند؟

آنطور که خودش برایم توضیح داده بود، در سال ۶۲ مجروحیت سختی پیدا می‌کند طوری که دوستانش فکر می‌کنند به شهادت رسیده است اما در اثنای نبرد یکی از همرزمانش متوجه می‌شود حاجی نفس می‌کشد. او را روی دوشش می‌اندازد و به بیمارستان صحرایی می‌رساند. برای انتقال به بیمارستان پیکر نیمه جانش را در هلی‌کوپتر می‌گذارند که همین بالگرد هم توسط دشمن مورد اصابت قرار می‌گیرد. مجبور می‌شوند در همان بیمارستان صحرایی سید را عمل کنند. چون طحالش ترکیده بود، به اجبار شکمش را باز می‌کنند که به دلیل آلودگی محیط ویروس به روده ایشان منتقل می‌شود. همین ویروسی شدن کار خودش را می‌کند. سید ۱۲ بار با بیهوشی کامل عمل شده بود. هر دفعه انسداد روده می‌گرفت که نیاز به عمل داشت ولی باز هم بهبودی کامل پیدا نمی‌کرد، به طوری که سه روز در هفته درگیر دردهای این بیماری بود. حتی غذا نمی‌توانست بخورد و غذایش به صورت رقیق بود. از دیگر مشکلات جانبازی سید این بود که بر اثر اصابت انفجار مین زیر هر دو پایش دچار موج گرفتگی شده بود. این مسئله باعث شده بود خون در جریان طبیعی به مغزش نرسد. باید آنقدر پاهای ایشان را ماساژ می‌دادیم تا بتواند به حالت اول برگردد. همچنین ۱۷ درصد دست‌هایشان از کار افتاده بود.

به رغم این همه مشکلات جسمی، سید همچنان فعال و پر تلاش بودند؟

بله، واقعاً آدم مقاوم و شجاعی بود. فکری بسیار فعال داشت و از این بابت هیچ مشکلی نداشت. هنگامی که دردها سراغش می‌آمد فکر می‌کردم بعد از طی شدن دوره نقاهت همه چیز رو به راه می‌شود اما از سه سال پیش از لحاظ جسمی بسیار ضعیف شده بود. حتی نمی‌توانست غذا بخورد. معالجه خودش را جدی نمی‌گرفت و بیشتر به فکر برطرف کردن مشکلات مردم بود.

چه خاطراتی از زندگی مشترک با حاج سید دارید؟

حاج سید بسیار مردمی بود. مسافرت‌هایش بیشتر فعالیت کاری بود که اسمش را مسافرت می‌گذاشت. من هم در بیشتر این مسافرت‌ها با ایشان همراه می‌شدم. برای سر زدن به خانواده شهدا و جانبازان به مناطق محروم روستاهای خرمشهر، خوزستان و کردستان می‌رفتیم. گاهی من به حاج سید به خاطر رفتن این مسافرت‌ها گله‌مند می‌شدم و به او می‌گفتم حالا آمده‌ایم مسافرت لااقل کمی هم داخل شهر برویم و بگردیم ولی ایشان بیشتر اوقات را در روستاها به حل مشکلات مردم می‌پرداخت. می‌خواست من را با درد جامعه بیشتر آشنا کند تا بیشتر خدا را شاکر باشم. همیشه حاج سید به من می‌گفت: «می‌خواهم دینم با شما تکمیل‌تر شود و شما هم به عنوان یک همکار شریک کارهای من باشید.»

من همیشه ممنون حاج سیدحسین هستم چون کارهای ایشان باعث شد لااقل بر خداشناسی من افزوده شود. با آنکه بیشتر اوقات دردها سیدحسین را آرام نمی‌گذاشتند، ولی باز هم محور خانواده خودش و من بود و صله‌رحمش ترک نمی‌شد. به نوعی حلقه وصل فامیل بود. خیلی به افراد بزرگ‌تر مانند پیرمردها و پیرزن‌ها کمک می‌کرد. عشق و علاقه‌اش رفع مشکلات دیگران بود. به والدینش خیلی کمک می‌کرد. به مدت هشت سال که مادر حاج سید سکته کرده بود و شرایط خوبی نداشت، اواخر هر هفته مرتب ایشان به اردکان می‌رفت تا بتواند به مادرش خدمت کند.

شهید فیض جهاد را از چه زمانی آغاز کرده بودند؟

ایشان از همان حادثه حمله امریکایی‌ها به طبس وارد میدان جهاد شده بود. سید در آن مقطع سه ماه در منطقه طبس مانده و به مردم محروم آنجا خدمت کرده بود. بعد هم که وارد جبهه‌های جنگ شد و تا آنجا که در توان داشت در جنگ حضور یافت. از همرزمان شهیدش می‌توانم به شهید همت، شهید بروجردی، شهید کاظمی و شهید چمران اشاره کنم.

سردار علیرضا تمیزی
همرزم شهید

شما چقدر شهید اردکانی را می‌شناختید؟ کمی از فعالیت‌های انقلابی و حضورشان در جبهه بگویید.

سیدحسین اردکانی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه اصفهان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود. با مبارزات قبل از انقلاب کار خودش را شروع کرد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با روحانیت استان یزد از جمله شهید آیت‌الله صدوقی در جبهه‌ها همراه بود. در دوران جنگ کاروان کمک‌های مردم یزد بسیار زبانزد بود که بیشترین کمک‌های مردمی یزد به مردم منطقه بوکان، سنندج و شهرستان بانه صورت می‌گرفت. در همین زمینه سیدحسین اردکانی در کنار شهید صدوقی در پشتیبانی از مناطق عملیاتی و کمک به رزمندگان بسیار فعال بود.

> شهید سیدحسین اسوه صبر و مقاومت برای آحاد کارکنان سپاه و جامعه پاسداران بود. پس از جنگ از شاخص‌ترین افراد در کمک کردن به رزمندگانی بود که در وضعیت بحرانی مالی قرار داشتند. تمام همتش رسیدگی و حمایت از خانواده شهدا و کمک به مستضعفان بود. هرگز خودش را جدا از خانواده شهدا نمی‌دید تا اینکه خود هم به جمع شهدا پیوست

ایشان از سال ۱۳۶۰ از پاسداران اولیه و پیشکسوت سپاه استان یزد به شمار می‌آمد که توانست با حضور در یگان‌های رزمی و همچنین واحدهای فرهنگی، جهادش را در سپاه پاوه همراه با شهید ابراهیم همت آغاز کند. سید حرکت‌های فرهنگی‌اش را در شهرستان پاوه در زمان آزادسازی این شهر در کنار شهید چمران ادامه داد. از آنجا به سنندج رفت و توانست به عنوان یکی از فرماندهان سپاه استان کردستان مسئولیت برعهده بگیرد. همچنین در مسئولیت‌های مختلف حضور داشت و مدتی به عنوان فرمانده سپاه بوکان در آزادسازی این شهر نقش بسزایی ایفا کرد. همچنین در پاک‌سازی‌های منطقه بوکان توانست عملکرد خوبی ایفا کند. سیدحسین تا انتهای جنگ در جبهه‌ها حضور داشت.

شهید اردکانی چه ویژگی‌های اخلاقی داشتند؟

بسیار مردمدار و مردم یار بود. همواره در عملیات‌های مختلف مردمداری را به ما آموزش می‌داد. مردم مناطق جنگی که ما آنجا حضور داشتیم، سید را از صمیم قلب دوست داشتند، چراکه شهید همیشه خودش را کنار مردم می‌دید، نه بر مردم! از ویژگی‌های دیگر سیدحسین این بود که اخلاق و منش او به عنوان یک حرکت اساسی و بزرگ تلقی می‌شد. همواره اسوه اخلاق برای فرماندهان، مدیران و مسئولان بود. درس‌های اخلاقی را به صورت عملی و عینی در محیط شغلی‌اش پیاده می‌کرد.

از شهید اردکانی به عنوان یکی از فرماندهان تیپ الغدیر هم یاد می‌شود؟

سیدحسین در سال ۶۲ با تشکیل تیپ الغدیر یزد وارد یگان‌های جنوب شد و چندی بعد جانشینی تیپ الغدیر را به عهده گرفت. شهید بزرگوار حاج اکبر آقا بابایی فرمانده تیپ الغدیر بود. ایشان و سید در کنار یکدیگر در عملیات‌های مختلف بسیار نقش‌آفرین بودند. همواره مردم یزد پشتیبان تیپ الغدیر بودند و توانستند با کمک نیروهای سپاه در منطقه جنوب با یگان‌های بعثی عراقی بجنگند و حماسه‌های بسیاری خلق کنند. این تیپ در عملیات‌های مختلف عملکرد خوبی برجای گذاشته بود. سیدحسین در جبهه‌های جنوب چندین مرتبه مجروح شد. از ناحیه دست و شکم مجروحیت‌هایی پیدا کرد و به علت داشتن مصدومیت شیمیایی چندین مرتبه مورد عمل جراحی قرار گرفت. همین اصابت ترکش در داخل روده و شکم، شرایط سختی را برای ادامه زندگی سیدحسین رقم زد. مشکلاتی که بعد از سال‌ها باعث شهادت ایشان شد.

از بارزترین فعالیت سردار سیدحسین اردکانی بعد از عرصه دفاع مقدس به چه مواردی می‌توانید اشاره داشته باشید؟

شهید سیدحسین اسوه صبر و مقاومت برای آحاد کارکنان سپاه و جامعه پاسداران بود. پس از جنگ از شاخص‌ترین افراد در کمک کردن به رزمندگانی بود که در وضعیت بحرانی مالی قرار داشتند. تمام همتش رسیدگی و حمایت از خانواده شهدا و کمک به مستضعفان بود. هرگز خودش را جدا از خانواده شهدا نمی‌دید تا اینکه خود هم به جمع شهدا پیوست. باید بگویم در کل بقیه عمر زندگی خود را وقف خانواده شهدا و در کنار آنها حرکت کرد و همیشه با خانواده‌شان همراه و همدرد بود.

وادی کتاب

مروری بر شفای شهید رضا کارگر برزی در نوجوانی
با نگاهی به کتاب «چشمان یعقوب»

شهید مدافع حرمی که نذر حضرت زینب(س) شده بود

■ احمد محمدتبریزی

شهید رضا کارگر برزی را به همت، تلاش و پشتکار می‌شناسند. شهید کارگر برزی متخصص تخریب و جنگ‌های پارتیزانی و چریکی بود و تبحر بالایی در انتقال اطلاعات و آموزش به شاگردانش داشت. این شهید مدافع حرم به رغم داشتن فرزند و همسر خانه و کاشانه را برای دفاع از حریم اهل‌بیت ترک کرد و در تابستان ۱۳۹۲ به فیض شهادت نائل آمد. کتاب «چشمان یعقوب» به قلم شهلا پناهی که به تازگی منتشر شده است سرگذشت زندگی شهید کارگر برزی را روایت می‌کند. در ادامه نگاهی به کتاب و سرگذشت شهید برزی داریم که می‌خوانید.

کتاب از همان صفحات آغازین اولین تلنگرهایش را به خواننده‌اش می‌زند و با روایت بی‌حس شدن پاهای رضا در کودکی می‌گوید با شخصیتی ساده روبه‌رو نیستیم. پزشک‌ها می‌گفتند هیچ‌کاری نمی‌توان برای رضا کرد و این بی‌حسی کم‌کم تمام بدن او را درگیر می‌کند و به قلبش می‌رسد.

> رضا تا آخرین لحظه جانانه مقاومت کرد. این شهید والامقام در سحرگاه روز جمعه یازدهم مرداد ۱۳۹۲ مصادف با روز قدس با زبان روزه در دفاع از حریم آل‌الله و حرم حضرت زینب کبری(س) امضای سعادتمندی خویش را از دست عقیله بنی هاشم دریافت کرد و به درجه رفیع شهادت نائل آمد

رضا داشت کم‌کم فلج می‌شد و خانواده‌اش که نظاره‌گر وضعیت او بودند هیچ کاری از دست‌شان برنمی‌آمد و ذره ذره آب می‌شدند. مادر رضا با دلی شکسته و حالی مضطر به حضرت زینب(س) متوسل می‌شود و شفای فرزندش را از عمه سادات می‌خواهد. نذر می‌کند اگر رضا خوب شد، خادم حرم اهل بیتش شود. نیمه‌های همان شب اتفاقی عجیب در خانه می‌افتد. از اتاق رضا صدا می‌آید و خانواده به محض رسیدن به اتاق، رضا را می‌بینند که دستش را به دیوار گرفته و حرکت می‌کند. از فردای آن روز وقتی رضا را پیش هر دکتری می‌برند می‌گویند که خبری از بیماری نیست. از همان زمان زندگی رضا با حضرت زینب(س) عجین می‌شود.

پدر شهید درباره بی‌حسی پاهای رضا و احساس‌شان می‌گوید: «وقتی همه درها را بسته می‌دیدم و هیچ پزشکی امید به بهبودی نمی‌داد و به گونه‌ای صحبت می‌کردند که ما باید بنشینیم و شاهد باشیم تا بی‌حسی به قلب رسیده و مرگ رضا فرا برسد، هیچ خانه‌ای را جز خانه حضرت زینب (س) ندیدم و با توکل به خدا و توسل به حضرت زینب (س) بین خودم و خدا گفتم حضرت زینب(س) از همه بیشتر مصیبت دیده‌اند، ایشان می‌دانند من چه می‌کشم. رضا را نذر حضرت زینب(س) کردم.»

روزها از پی هم گذشتند تا رضا که حالا جوانی رعنا شده و در دانش و تخصص حرف‌های زیادی برای گفتن داشت، سرباز حرم حضرت زینب(س) شود. او سلامتی‌اش را مدیون عمه سادات می‌داند و می‌خواهد دینش را ادا کند. رضا هنگام آموزش در سوریه فقط روی تخریب تمرکز نداشت. از تله‌های دشمن علیه خودشان استفاده می‌کرد. انگار که مهندسی معکوس را همانجا در زمین دشمن انجام می‌داد. با رفتارش و دقتی که در ریزه‌کاری‌های اعتقادی داشت، روی تفهیم درست دین هم کار می‌کرد.

حضور شهید کارگر برزی در سوریه در آن مقطع زمانی خیلی مهم بود. این شهر مهم و بزرگ سیبل تروریست‌ها شده بود و آنها با تمام توان کمر به نابودی حلب بسته بودند. اگر نیروهای مقاومت تعلل می‌کردند شهر به طور کامل سقوط می‌کرد و یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی دولت در اختیارشان قرار می‌گرفت. فقط خدا می‌داند در گرمای سوزان تابستان زیر آتش سنگین تروریست‌ها چه بر نیروها گذشته است. درگیری‌ها آنقدر شدید شده بود که تروریست‌ها را می‌توانستند به راحتی ببینند. رضا با تمام توان به سایر نیروها کمک می‌کرد و به آنها روحیه می‌داد. تکفیری‌ها به دنبال گرفتن اسیر بودند و نباید اجازه نفوذ داده می‌شد.

آنها شهید کارگر برزی را که در حال کمک و امدادرسانی بود با قناسه می‌زنند. گلوله به پهلوی سمت چپ، پایین‌تر از قفسه سینه‌اش می‌خورد. با این حال باز به کارش ادامه می‌دهد و تا جایی که در توان دارد تلاش می‌کند تا زخمی‌ها را در آمبولانس بگذارند. رضا به درمانگاه می‌رسد ولی مدتی بعد خبر شهادتش به نیروها داده می‌شود.

رضا تا آخرین لحظه جانانه مقاومت کرد. این شهید والامقام در سحرگاه روز جمعه یازدهم مرداد ۱۳۹۲ مصادف با ۲۴ رمضان ۱۴۳۴ و روز قدس با زبان روزه در دفاع از حریم آل‌الله و حرم حضرت زینب کبری(س) امضای سعادتمندی خویش را از دست عقیله بنی هاشم دریافت کرد و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۶۸۰

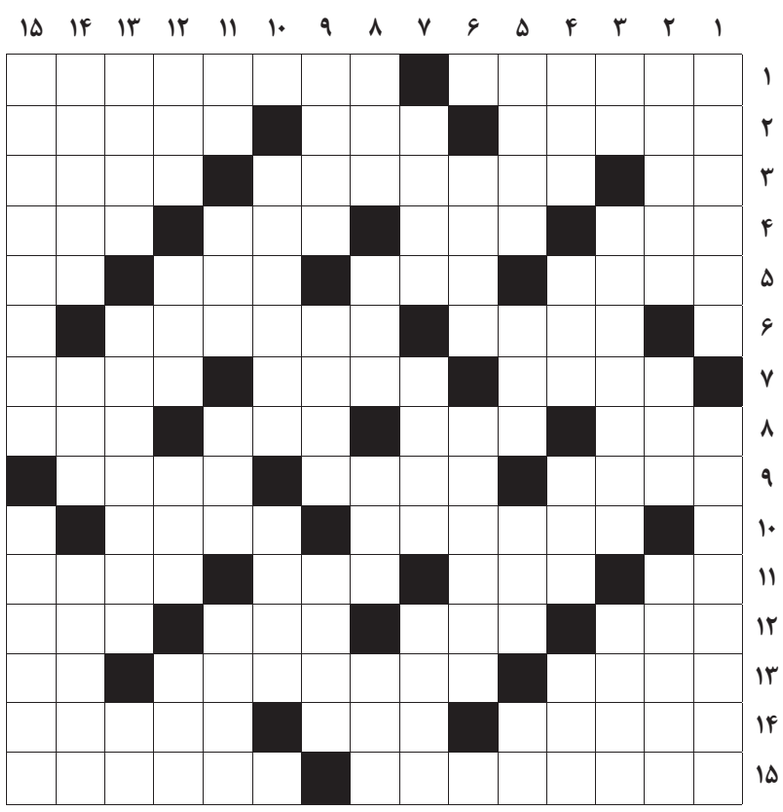

از راست به چپ

■ ۱- کتاب علامه امینی، از علمای بزرگ شیعه – دامغان قدیم ■ ۲- از ماهی‌های جنوب – ابوالبشر – وعده امروز و فردا کردن ■ ۳- خیس – بنده؛ من در نامه‌نگاری رسمی – آینه ■ ۴- دوش و کتف – هوش – خواهش نفسانی – حاجت و مقصود ■ ۵- الگو – ناامید – بی‌خبر از گرسنه – خط‌کش مهندسی ■ ۶- فصل و هنگام – نام سپاهی که شاه اسماعیل صفوی تشکیل داده بود ■ ۷- سوره رایزنی – آقای گل فوتبال جهان – پایتخت فیجی ■ ۸- امت‌ها – خزنده جدولی – رو دست خوردن – از سازهای موسیقی ■ ۹- خانه محقر – ماهی بدون استخوان – نورانی‌تر ■ ۱۰- پوشش در اصطلاح نظامی – رود شمال شرقی ایران ■ ۱۱- حسرت کویر – بام دنیا – دمپختک – پنجم ■ ۱۲- زرنگ – گوسفند جنگی – روغن زیتون – سوره زنان ■ ۱۳- سمت چپ – غالب آمدن در دعوای حقوقی در دادگاه – پول ژاپن ■ ۱۴- مایع دارویی که به بدن تزریق می‌شود – دستپاچه و شتاب زده – از مرکبات ■ ۱۵- حضرت علی (ع) آن را بهترین امور برشمرده‌اند – دریاچه مریوان

از بالا به پایین

■ ۱- کاری بر خلاف قانون انجام دادن – دریاچه شیشه‌ای ■ ۲- فرهنگ لغت فرانسوی – کفش چرمی ساده – در اصل واژه‌ای ژاپنی و به معنی کاشت گیاهان در گلدان‌های کم عمق است ■ ۳- بیهوشی، تقلب – انقلابی اهل کنگو – پایتخت بنگلادش ■ ۴- پیشوند ده تایی – نیزار خوزستانی – مقابل نیست – بازیکن عراقی پرسپولیس ■ ۵- نوعی اسباب بازی – نقره – درخت انداز – عدد مأیوس کننده ■ ۶- غلاف شمشیر – از دعاهای شب‌های ماه رمضان ■ ۷- قهوه‌ای مایل به سرخ – جولانگاه کشتی – سبزی سالاد ■ ۸- انعکاس صوت – آب‌فروش – لقبی در انگلیس – کوچه و برزن ■ ۹- روباه – سوغات کرمان – در جامه پیچیده ■ ۱۰- از آهنگ‌های موسیقی ایرانی – بازیگر فیلم چک ■ ۱۱- لخت – میوه پرخاصیت – پول تایلند – دوراندیشی ■ ۱۲- داغ کردن – واحد شمارش احشام – بها و قیمت – لوله گوارشی ■ ۱۳- قلعه و حصار – از مهم‌ترین سبک‌های کاراته – سرمربی فوتبال آلمان ■ ۱۴- رفتن به مشاهد متبرکه – «هست» آذری – تنگه بین جزیره سیسیل و خاک اصلی ایتالیا ■ ۱۵- نوعی ترشی که از چند رقم میوه و سبزی درست می‌کنند – کاتالیزور

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۴		۵	۹	
		۶		۲				
				۵		۸		
۱		۷				۹		
۹	۸						۷	
۵					۸		۱	
			۱	۷	۴			۹
	۷							
			۹				۸	

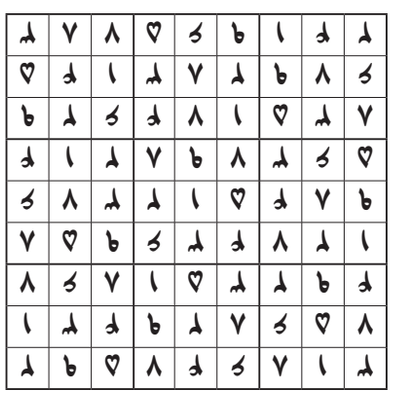

جدول کلمات متقاطع
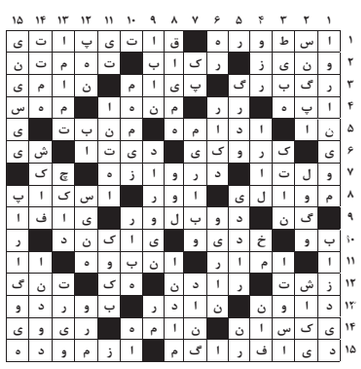
پاسخ جدول شماره ۵۶۷۹